گزارش

سازمان سنجش برای نامزدهای انتخابات شوراها آزمون برگزار می‌کند

برپایی کنکور انتخاباتی

● **شرق:** اصلاح قوانین انتخابات مختلف در مجلس به مرحله حساسی رسیده است و هر روز از یک نوآوری عجیب رونمایی می‌شود. بعد از اصلاحات قانون انتخابات ریاست‌جمهوری که بهارستانی‌ها صلاح دیدند نامزدها علاوه بر معرفی مشاوران خود، برنامه خود را نیز به شورای نگهبان تحول بدهند تا شورای نگهبان به‌جای مردم کاندیدای اصلح را انتخاب کند، اکنون نوبت برپایی آزمون برای نامزدهای شورای شهر رسیده است. سازمان سنجش هم مرجع برپایی این آزمون خواهد بود. احتمالا از این پس شاهد تبلیغات کتب و آزمون‌های آمادگی برای انتخابات شورای شهر هم خواهیم بود. رئیس کمیسیون شوراهای مجلس گفته است: در حوزه اصلاح قانون انتخابات شوراها، مقرر شد سازمان سنجش قبل از نام‌نویسی کاندیداها، آزمونی مرتبط با قوانین عمومی و شهرداری‌ها برگزار کند و تنها نامزدهای دارای حدنصاب بتوانند در انتخابات شرکت کنند. محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون شوراهای مجلس شورای اسلامی، با اشاره به بررسی طرح اصلاح قانون انتخابات شوراها در این کمیسیون توضیح داده است: در ارتباط با انتخابات شوراها، با توجه به اینکه قانونا مجلس شورای اسلامی ناظر بر روند برگزاری این انتخابات، به‌ویژه در حوزه تأیید صلاحیت داوطلبان است، بحث‌هایی درباره نحوه نظارت بر این انتخابات در کمیسیون شوراها مطرح شده و هدف ما این است که دستگاه‌های دیگر نیز بر اساس ساختارها و ظرفیتی که دارند، در راستای افزایش کیفیت نظارت‌ها بر انتخابات شوراها، به این عرصه ورود کنند. به گفته این نماینده مجلس، در دوره‌های گذشته سازوکار خاصی برای نظارت بر انتخابات شوراها در مجلس وجود نداشته و روال به این شکل بوده که صرفا برای انتخابات، هیئت موقتی از سوی نمایندگان انتخاب می‌شده و پس از پایان روند انتخابات، این هیئت نیز به کار خود پایان می‌داده است. رئیس کمیسیون شوراهای مجلس گفته است: بر همین اساس، در جلسات بررسی طرح مذکور مقرر شد هیئت‌هایی که برای بررسی و نظارت بر انتخابات شوراها انتخاب می‌شوند، از جامعیتی برخوردار باشند و دستگاه‌های مختلفی که به نحوی با سازوکار شوراها در ارتباط هستند، در امر نظارت نیز نقش‌آفرینی داشته باشند. مسئله‌ای که متأسفانه تاکنون مورد غفلت قرار گرفته و شاهد هستیم که در چهار سال فعالیت شوراهای شهر و روستا هیچ‌گونه متولی‌ای برای نظارت بر عملکرد آنها وجود ندارد. جوکار خاطرنشان کرده است: با این ابتکار عمل، ما یک نظارت پیشین برای بررسی صلاحیت نامزدهای شرکت در انتخابات شوراها و یک نظارت پسین برای بررسی عملکرد شوراها در طول دوره چهارساله فعالیت خواهیم داشت. هم‌اکنون طرح اولیه در کارگروه تخصصی و برخی مواد آن نیز در صحن کمیسیون به تصویب رسیده و بخشی دیگر باقی مانده که در جلسات آتی بررسی خواهد شد. رئیس کمیسیون شوراها یادآور شده است: برخلاف دیگر انتخاباتی‌هایی که در کشور برگزار می‌شوند که اکثرا جنبه سیاسی دارند، انتخابات شوراها بیشتر جنبه خدماتی و اجرائی دارد؛ بنابراین ما باید دنبال این باشیم که داوطلبان شرکت در این انتخابات از نظر تحصیلات و تجربه در حوزه خدمت‌رسانی از جمله حوزه عمرانی، معماری و شهرسازی دارای صلاحیت باشند. وی با اشاره به یکی از بندهای طرح اصلاح قانون انتخابات شوراها که در این کمیسیون مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت، می‌افزاید: بر همین اساس، در حوزه بررسی صلاحیت نامزدها، سازمان سنجش قبل از نام‌نویسی کاندیداها آزمونی مرتبط با قوانین عمومی و شهرداری‌ها برگزار خواهد کرد تا داوطلبان عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا در این آزمون شرکت کنند و صرفا کاندیداهایی قادر خواهند بود در انتخابات حضور پیدا کنند که حدنصاب قبولی را کسب کنند. جوکار خاطرنشان کرده است: البته هنوز مشخص نیست تغییراتی که در قانون انتخابات شوراها اعمال می‌شود، به انتخابات سال آینده برسد ولی به هر حال تلاش ما این است که کلیت این طرح در حوزه ایجاد سازوکاری مشخص برای نظارت بر عملکرد شوراهای شهر و روستا در سراسر کشور به انتخابات آتی برسد. ابوالفضل ابوترابی، عضو دیگر کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی نیز دراین‌باره اظهار کرده است: اکنون نظارتی که نمایندگان مجلس برای تأیید نامزدها در شوراهای شهر دارند، تعارض منافع دارد؛ زیرا همین افراد شوراها قرار است به این نماینده رأی بدهند، ازاین‌رو همیشه نماینده این افراد را تأیید خواهد کرد. به گفته وی، کمیسیون شوراها طبق یک طرح، نظارت بر انتخابات شوراها را از نمایندگان مجلس گرفته و با تشکیل یک کمیسیون به نام کمیسیون ملی انتخابات، نظارت را به آن سپرده است. این عضو کمیسیون شوراهای مجلس گفته است: این کمیسیون از پنج عضو تشکیل شده که در آن دو نفر از نمایندگان مجلس، دو نفر از شورای نگهبان و یک نفر از قوه قضائیه حضور دارند و این کمیسیون را تشکیل می‌دهند. ابوترابی با بیان اینکه دولت مجری انتخابات است، تصریح کرده است: نکته بعدی که در این طرح وجود دارد، این است که نامزدهای شورای شهر در شهرها حتما باید قبل از انتخابات یک آزمون علمی در سازمان سنجش بدهند تا سطح علمی آنها مشخص شود؛ زیرا کسی که می‌خواهد عضو شورای شهر باشد، باید ابتدایی‌ترین الفبای شوراها را بداند.

رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا مطرح کرد

جریمه‌های کرونایی

ایسنا: حجت‌الاسلام حسن روحانی در سخنانی در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا، با بیان اینکه از مردم می‌خواهیم از کادر درمان تشکر کنند که حداقل آن استفاده از ماسک است، گفت: «وقتی کادر درمان ببیند که مردم هم رعایت می‌کنند، روحیه بیشتری می‌یابند. همچنین خود دولت هم قرار است کادر درمانی برگزیده را در سراسر کشور پیدا کند و از آنان تقدیر به عمل آورند». رئیس‌جمهور گفت: «امروز نسبت به تهران بزرگ تصویب کردیم که همه کادر اداری ما در کشور، چه عمومی دولتی چه عمومی غیردولتی و نیز همه کسانی که کسب‌وکار در دست دارند، اگر خودشان رعایت نکردند، باید با آنها برخورد شود و از قبل هم مشخص کردیم که چه برخوردهایی انجام می‌شود و به دستگاه‌ها ابلاغ شده است». روحانی ادامه داد: «اصنافی هم که به مردم خدمات می‌دهند، خودشان باید رعایت کنند و اگر که رعایت نشود، تذکر و در نهایت پلمب را در نظر داریم که در تهران شدیدتر انجام خواهد شد». وی تصریح کرد: «همچنین فردی که در بانک، اداره یا مغازه می‌آید و اصول بهداشتی را رعایت نکند، نباید خدمتی دریافت کند؛ اگر خدمتی داده شد، آن صاحب مغازه، آن صاحب بانک یا اداره جریمه خواهد شد». رئیس‌جمهور افزود: «مورد دیگر که قرار شد وزارت کشور و وزارت بهداشت و کمیته‌های امنیت اجتماعی و بهداشتی ستاد باهم نهایی کنند، این است که نسبت به

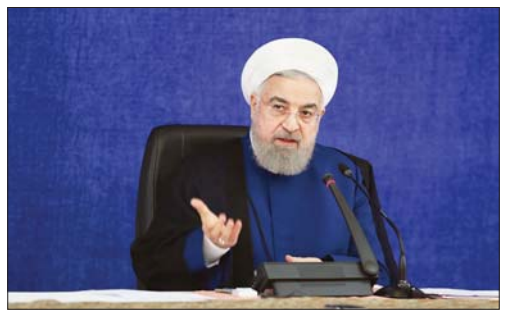

فردی که از خانه خارج می‌شود و ممکن است کارمند اداری هم نباشد یا صاحب کسب‌وکار هم نباشد اما باید پروتکل‌ها را مراعات کند نیز مقرراتی در نظر گرفته شود تا اگر مراعات نکرد و ماسک نزد -که الان تأکید ما فعلا بیشتر بر استفاده از ماسک است- حتما جریمه شود». روحانی درباره شیوه‌نامه جریمه‌کردن و برخورد با افرادی که در جامعه ماسک نمی‌زنند، گفت: «اولا با خود فرد نباید برخورد شود، ممکن است در شناسایی از او سؤالاتی پرسیده شود و مشخص شود او کیست که این تخلف را انجام داده تا به وی اخطار داده شود». او افزود: «اما میزان جریمه افرادی که در جامعه ماسک نمی‌زنند، در جلسه بعدی ستاد مشخص و نهایی می‌شود و زمانی که در تهران بزرگ همه این مراحل را نهایی، اجرا و عملیاتی کنیم، این رویه برای موارد دیگری که مدنظر است، الگو و نمونه می‌شود». او با تأکید بر اینکه هیچ رفت‌وآمدی برای راهپیمایی اربعین در عراق وجود ندارد، یادآور شد: «مرزهای کشور با عراق به‌طورکامل بسته است، اما طبق گزارش فرمانده نیروی انتظامی متأسفانه تعدادی از زائران توسط افرادی اغفال شده‌اند که این -به تعبیر ما- قاچاقچیان پولی از افراد می‌گیرند و آنها را به آن طرف مرز می‌برند و پس از آن وسط راه رها می‌کنند و مشکلات و خطرات جانی برای بعضی از آنان ایجاد کرده‌اند». روحانی تأکید کرد: «هیچ‌کس به سمت مرزهای غربی کشور حرکت نکند، این کار قانونی نیست. نیروی انتظامی، بسیج، سپاه و نیروهای مرزدار، استانداران و وزارت کشور همه در این زمینه احساس مسئولیت کنند و از جان مردم حفاظت کنند». رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه امسال راهپیمایی نمادین اربعین در داخل کشور هم نداریم، تصریح کرد: «در برخی سال‌ها این راهپیمایی در کشور برگزار می‌شد، اما امسال در ایران راهپیمایی روز اربعین نداریم و عزاداری‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی انجام می‌شود».

مقایسه مسئولیت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در دولت‌های روحانی و احمدی‌نژاد

چه کسی محکوم است؟

اگرچه روحانی و دولتش اصلاح‌طلب نبوده و نیستند اما حامیان اصولگرایان و رسانه‌هایشان در شبکه‌های اجتماعی مدعی‌اند مسئولیت اوضاع اقتصادی سیاسی فعلی با اصلاح‌طلبان و کسانی است که به روحانی رأی داده‌اند. این در حالی است که همین‌ها هیچ‌وقت مسئولیت کارنامه رئیس دولت دهمی را که از بطن اصولگرایی برخاست نپذیرفتند. آنان با تأکید بر اینکه رئیس دولت دهم از اول هم اصولگرا نبود یا رودرروی اصولگرایان ایستاد، اقداماتش را سوا کردند و هرچه را به نفعشان بود، در کارنامه اصولگرایی‌اش و هرچه نبود را به پای خودش و حلقه یارانش نوشتند. حتی بعدا مدعی شدند که از وقتی او رفتارهای به قول خودشان اصلاح‌طلبان را پیشه کرد و حلقه انحرافی‌اش را ساخت، با او از در دشمنی درآمدند. همین‌ها که شمشیر را بعدا برای رئیس دولت دهم از رو کشیدند، برای کسانی که به روحانی رأی داده‌اند یا اصلاح‌طلبان حتی حق انتقاد هم قائل نیستند! این در حالی است که حجم انتقادات اصولگرایان از دولت رئیس دولت دهم که حامی سفت‌وسخت او در هر دو انتخابات ۸۴ و ۸۸ بودند، در دو سال پایانی حضورش در پاستور به اندازه‌ای رسید که گاه تا پای انکار حمایت خود در سال ۸۴ نیز پیش می‌رفتند. در این میان اما بودند اصولگرایانی که از هم‌سلکانشان خواستند بابت حمایت خود از رئیس دولت دهم از مردم عذرخواهی کنند یا اذعان کردند رئیس دولت دهم اصولگرایی بوده که هزینه‌اش برای اصولگرایان منجر به انتخاب حسن روحانی شده است.

خیلی‌ها مانند توکلی نیز بر این اعتقاد بودند که رئیس دولت دهم در ابتدا با تابلوی اصولگرایی وارد شد اما خیلی زود راهش را جدا کرد و نشان داد اصولگرا نیست. حالا همین اصولگرایان در همین حد انتقاد هم برای رأی‌دهندگان به روحانی‌ای که از ابتدا همگان اذعان کردند اصلاح‌طلب نبوده، قائل نیستند. این در حالی است که اصلاح‌طلبان به قول موسوی‌لاری نه هیچ‌وقت قبای امام زمان تن روحانی کردند، نه ته‌مانده آب لیوانش را خوردند، نه هاله نور دور سرش دیدند و در روزگاری که بیشترین انتقاد را به او دارند هم قرار نیست او را انحرافی بخوانند! روز گذشته محمد مهاجری، تحلیلگر مسائل سیاسی، با اشاره به اینکه تا چه میزان افکار عمومی از اصلاح‌طلبان می‌پذیرند که آنها نقش کمی در دولت و مشکلات کشور داشته‌اند، اظهار کرد: «هرقدر که جامعه اعلام برائت اصولگرایان از رئیس دولت دهم را پذیرفت، به همان میزان هم از اصلاح‌طلبان می‌پذیرند که در عملکرد دولت روحانی نقش نداشته‌اند. البته قبول دارم رئیس دولت دهم و روحانی از بدنه رأی و جناح حامی خود فاصله گرفتند، ولی افکار عمومی این را نمی‌پذیرد که جناحی از تصمیم سیاسی خود عقب‌نشینی کند. به‌لحاظ اخلاقی هم جالب نیست که جناحی از فردی حمایت کند اما بعد بگوید حمایتی نداشته‌ام. اصولگرایان از رئیس دولت دهم حمایت کردند؛ اما وقتی به زعم خود دیدند که او دیگر رسم اصولگرایی ندارد، از او فاصله گرفتند و اصلاح‌طلبان هم نسبت به روحانی همین کار را کردند. در زمان دولت دوم خاتمی هم عده‌ای از اصلاح‌طلبان از او فاصله گرفته و از مرگ اصلاحات گفتند. در دولت هاشمی هم کسانی که شعار می‌دادند مخالف هاشمی دشمن پیغمبر است، وقتی احساس کردند شرایط بر وفق مرادشان نیست، گفتند که ما نبودیم که از هاشمی حمایت کردیم».

مهاجری در پایان با بیان اینکه افکار عمومی این برائت‌ها را باور نمی‌کند، تصریح کرد: دلیل اینکه عده‌ای از رئیس‌جمهور می‌بُرند این است که فرایند انتخاب فرد به‌عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری، حزبی نیست. در انتخابات حزبی وقتی کاندیدای حزب در انتخابات رأی آورد، آن حزب مسئول عملکرد رئیس‌جمهور منتخب می‌شود. در ایران چون این فرایند وجود ندارد، بعد مدتی «من‌نبودم‌های» حامیان رئیس‌جمهور شروع شده و این افراد مسئولیت خود را نمی‌پذیرند. البته اینها در نظر افکار عمومی دعواهای بیهوده است و مردم این افراد را به‌عنوان افرادی می‌شناسند که مسئولیت نپذیرفته و در انتخابات بعدی دنبال جمع‌کردن رأی برای افراد دیگری هستند. چند روز پیش محمود واعظی، مسئول دفتر روحانی که تاب انتقاد اصلاح‌طلبان از دولت روحانی را ندارد، گفته بود: «در میان اصلاح‌طلبان یک نظر خاص وجود ندارد و دیدگاه‌ها متفاوت است. از اصلاح‌طلبان وزیر و استاندار در دولت وجود دارد و اگر آنها منتقد هستند، به رفقای خودشان هم انتقاد باید بکنند، ولی حداقل مراعات حال رفقای خود را بکنند». علی شکوری‌راد، دبیر کل حزب اتحاد ملت، در واکنش او گفته بود: «آقای واعظی آدرس غلط ندهید. فرافکنی نکنید. نبض دولت دست شماست و شما اصلاح‌طلب نیستید. شما مراعات حامیان اصلاح‌طلب دولت را نکردید و به سلیقه خودتان مدیران ارشد را در دولت و بدنه آن چیدید و بین رئیس‌جمهور و حامیانش حائل شدید. بد عمل کردید و حالا «همان کشته خویش بدروید». او قبلا هم گفته بود: «در واقع در دوره دوم آقای روحانی، سر اصلاح‌طلب‌ها به سنگ خورد و دچار سرخوردگی شدند و همین باعث شد این بحث‌ها پیش بیاید؛ اما آیا اصلاح‌طلب‌ها اشتباه کردند؟

من معتقدم در هر دو دوره، حمایت از روحانی درست بود؛ هم در سال ۹۲ که تدبیر بسیار جالبی به کار بردند و بابت آن مدال تدبیر می‌گیرند و بار دوم هم به دلیل اینکه خطا نکرده و از آقای روحانی عبور نکردند. اما برآوردشان اشتباه بود که آقای روحانی انتظارات ذهنی آنها را پاسخ خواهد داد».

مسئولیت شورای نگهبان

سال ۹۲ که عارف و روحانی هم در میان نامزدهای تأییدصلاحیت‌شده آمدند، عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، در یک مصاحبه عمدا چیزی را فاش کرد که فکر نمی‌کرد زمانی ممکن است بابت آن خودش را شماتت کند. آن زمان با هدف اینکه تصورات را درباره آیت‌الله جنتی اصلاح کند، گفت دو نفر رأی لازم را در شورای نگهبان نداشتند و با پادرمیانی یک نفر تأیید صلاحیت شدند. کدخدایی نام آیت‌الله جنتی را بر زبان آورد.

ادامه در صفحه ۴

ادامه از صفحه اول

آرمان-واقعیت، زمان و دیوان‌سالاری جنگ

این ساختار دارای هنجارها و ارزش‌هایی است که قواعد کلی حاکم بر تصمیم‌گیری را تعیین می‌کند. در یک سیستم نسبتا منعطف، این ساختار ذهنی در مواجهه با واقعیت‌های موجود که ساختار عینی سیاست‌گذاری را تشکیل می‌دهند، به تطبیق و ترمیم و نهایتا تفسیر اصول و ارزش‌ها مبادرت می‌ورزد و در نهایت برون‌دادی را تحت عنوان سیاست‌گذاری جنگی به دست می‌دهد. از این‌رو، برخلاف دیدگاه نخست، تصمیم در چنبره غریزه محض محدود و محصور نبوده و به‌گونه‌ای خودبه‌خودی، استثنائی و اتفاقی، تفسیر و تأویل نمی‌شود. در همین راستا بروس دورن سه سطح هنجاری را در محتوای سیاست‌گذاری‌ها تشخیص می‌دهد: ایدئولوژی‌ها، ایده‌های مسلط زمانه و اهداف. ایدئولوژی‌ها بسته به جغرافیای سیاسی سیاست‌گذاری متفاوت‌اند و از لیبرالیسم (به‌عنوان یک ایدئولوژی) و سوسیالیسم گرفته تا آرمان‌های دینی را دربر می‌گیرند. ایده‌های مسلط زمانه می‌توانند کارایی و کارآمدی، آزادی فردی، عدالت اجتماعی، ثبات، برابری، انصاف، اتحاد ملی، تکثر فرهنگی و... باشند. جنگ تحمیلی بر اساس تلفیق دو دیدگاه فوق قابل تحلیل و ارزیابی است؛ دیدگاه بروس دورن و دیدگاهی که تأثیر دو سری از عوامل تاریخی - ایدئولوژیک و وقایع زمانه را مورد تأکید قرار می‌دهد. تجارب تاریخی دینی، اندیشه‌های دینی و دستاوردهای تاریخ ملی (به‌ویژه تجارب ۱۵۰ساله اخیر تاریخ ایران) تشکیل‌دهنده پیشینه‌های تاریخی- آرمانی سیاست‌گذاری جنگی ایران در جنگ تحمیلی هستند. سازماندهی امکانات، ساماندهی سیاست‌های کلان جنگی، ترغیب و تهییج نیروها و حتی روش مبارزه جنگی (مبارزه شهادت‌طلبانه جنگ انقلابی) بر مبانی فرهنگ شهادت در مذهب تشیع استوار است و به صورتی کاملا طبیعی، چنان فرهنگی چنین روشی را تولید کرد. رخدادها و اتفاق‌های جاری زمان نیز در راستای این فرهنگ قرار گرفت؛ مظلومیت و تجاوز دو واژه اساسی زمانه هستند که در کنار ساختارهای ذهنی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، با شروع و تداوم جنگ، عوامل دیگری به ساختار عینی و شرایط زمانه افزوده شدند؛ نظام روابط بین‌الملل، حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، کاهش حضور نیروها در جبهه‌های جنگ در سال‌ها و ماه‌های آخر جنگ، استهلاک امکانات و محاصره اقتصادی و... . بر اساس آنچه گذشت، هرچه زمان بر جنگ می‌گذشت، کفه تأثیر سری دوم عوامل سنگین‌تر از عوامل سری اول می‌شد. زمان که در قسمت اول این نوشتار به آن اشاره شد، در سطح دوم تحلیل (قسمت دوم این نوشتار) نیز خود نشان می‌دهد و این موضوع بخش بعدی است.

۳ . بین آرمان‌ها، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها از یک سو و واقعیات زمان از سوی دیگر، تعامل وجود دارد و نه ضرورتا تعارض. تعارض وجهی از وجوه مختلف تعامل است و نه همه آن. رابطه تعامل و تعارض رابطه‌ای است از نوع رابطه عموم و خصوص مطلق. این تعامل می‌تواند همگون، همسان و هم‌راستا باشد و گاه نیز می‌تواند به تعارض منتهی شود. وقوع همگونی یا تعارض در گرو چالش این دو از سویی و زمان از سوی دیگر است. اندیشه، آرمان و ایدئولوژی به هر حال پای در واقعیت‌های موجود دارند. در نهایت امر، ایدئولوژی نوعی صورت‌بندی مجرد و تئوریک به خود می‌گیرد و قرائتی ویژه از واقعیات یا مبتنی بر آن است. هیچ اندیشه‌ای در تجرد مطلق شکل نمی‌گیرد، حتی اندیشه‌های فلسفی محض؛ تصور مطلق محال است. در واقع در اندرون هر اندیشه‌ای، جای پای واقعیت‌های اجتماعی را می‌توان یافت. با وجود جدایی ظاهری، آرمان و واقعیت ذاتا ممزوج‌اند. کنش و واکنش این دو، به اصلاح تدریجی آرمان و ایدئولوژی از یک سو و اصلاح زندگی اجتماعی از سوی دیگر منجر می‌شود. واقعیات ظرف آرمان‌ها و ایدئولوژی‌ها هستند و گاه حتی واقعیات میزان درک یک ایدئولوژی و فهم عرصه‌های جدیدی از ایدئولوژی را امکان‌پذیر می‌کنند. بنابراین نمی‌توان دیواری نفوذناپذیر بین اندیشه، ایدئولوژی و آرمان‌ها از یک سو و واقعیات عینی سیاست‌گذاری از سوی دیگر کشید. تعامل آرمان‌های ارزشی و واقعیات می‌تواند تعاملی سازنده و رابطه‌ای مثبت باشد و زمان در چنین وضعیتی بار مثبت خواهد داشت؛ اما آنجا که ظرف واقعیات بر مظروف آرمان‌ها تنگ باشد، این رابطه منفی شده و به تخریب آرمان‌های ارزشی می‌انجامد. در اینجاست که معتقدان آرمان‌ها گذر زمان را به ضرر آرمان‌ها می‌بینند و حرکت منفی زمان آغاز می‌شود. در چنین حالتی است که همراهی با مقتضیات زمانه و کاهش جریان آرمان‌گرایی در سیاست‌گذاری جنگی، نه‌تنها عقب‌نشینی از آن اصول و آرمان‌ها نیست، بلکه می‌تواند حرکتی در جهت حفظ اصل آرمان‌ها باشد. منحنی مطلوبیت نهایی می‌تواند چشم‌انداز روشن‌تری از این بحث را ارائه دهد. این منحنی در علوم اقتصادی کاربرد فراوان دارد و در اینجا آن را برای سیاست‌گذاری عمومی (بحث تعامل آرمان و واقعیت) به کار می‌بریم. تعامل و تقارن آرمان‌ها و واقعیات می‌تواند از نقطه‌ای آغاز و حرکت خود را به سوی مطلوبیت ادامه دهد؛ این مطلوبیت از طریق دستیابی تدریجی به اهداف سیاست‌گذاری نشان داده می‌شود. سپس با رسیدن به نقطه عطف مطلوبیت، حرکت نزولی خود را شروع می‌کند؛ اما برای تحلیل سیاست‌گذاری جنگی ایران در جنگ تحمیلی، این منحنی شکل اصلاح‌شده‌ای به خود می‌گیرد. در جنگ تحمیلی، تعامل آرمان‌ها و واقعیت‌ها از نقطه‌ای ابتدایی آغاز می‌شود و با شروع جنگ غیرکلاسیک یا جنگ انقلابی، تعامل مثبت این دو عنصر به سرعت اوج می‌گیرد و حرکت خود را به سوی مطلوبیت نهایی ادامه می‌دهد.

در زمان بعدی این حرکت به نقطه مطلوبیت نهایی رسیده و در زمان نهایی با رشد دیوان‌سالاری جنگی از یک سو و فشار واقعیات بر آرمان‌ها از سوی دیگر حرکت نزولی خود را آغاز می‌کند. ادامه جنگ و تأکید بر شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» در ظرف آرمانی - زمانی خاص خود قرار داشت؛ اما هنگامی که ظرف واقعیات (ازجمله شرایط بین‌المللی، قلت عِده و عُده) گنجایش آرمان‌ها، حتی آرمان‌های حق‌طلبانه ما را نداشته باشد، کندی و توقف آن، حرکتی است برای حفظ اساس آرمان‌ها و نه به مفهوم دست‌شستن از آنها. آرمان نقش پویای خود را در سیاست‌گذاری ایفا می‌کند؛ البته تا زمانی که فشار واقعیات نتیجه معکوس نداشته باشد. گروهی بر این باورند که پس از فتح خرمشهر، این بنیادهای آرمانی کماکان نقش مؤثر خود را بر ذهنیت سیاست‌گذاران و بر مردمی که بار آن سیاست‌گذاری را بر دوش می‌کشیدند، حفظ کرده بودند و از این‌رو ادامه جنگ طبیعی بود. کشف جمعی ملت (یا به عبارتی تجربه تاریخی ملت) و آرمان‌های مذهبی مردم و سیاست‌گذاران در قالب این سیاست‌گذاری جنگی کلان (تداوم جنگ) متجلی شده بود. برخی دیگر نیز بر این گمان‌اند که این بنیادها توجیه‌کنندگی خود را از این زمان به بعد از دست دادند. این تقابل فکری پرسش اساسی‌تری را در بعد نظری فرارو قرار می‌دهد و آن اینکه تشخیص نقطه عطف منحنی مطلوبیت نهایی چگونه باید صورت پذیرد؟ اینکه این نقطه عطف زمانی، فتح خرمشهر یا عملیات کربلای ۴ یا عملیات کربلای ۵ یا وقایع مرداد ۶۷ است، چگونه و با چه ابزار کمی یا کیفی یا نظری امکان‌پذیر است؟ از نظر موردی و نمونه‌پژوهی بی‌گمان پاسخ به این پرسش اندیشه‌سوز مستلزم دسترسی به اطلاعات جامعه‌شناختی آن زمان از یک سو و اطلاعات محرمانه و غیرمحرمانه نظامی آن زمان از سوی دیگر است؛ چیزی که از دسترس نگارنده به دور است. برخی قرائن چنین نشان می‌دهد که این نقطه عطف هنگام فتح خرمشهر نبود؛ چراکه در آن زمان اخبار موفقیت‌ها حکایت از کثرت نیروها و شدت اشتیاق شکست نهایی صدام و وفور امکانات می‌داد. وانگهی، با توجه به ضربه‌نخوردن ساختار اساسی ماشین جنگی عراق، تضمینی برای عدم حمله مجدد عراق به ایران، آن‌هم پس از تجدید روحیه، وجود نداشت. در مقابل، نگرانی از حمله مجدد عراق این مفهوم ضمنی را دربر دارد که اطلاعاتی درباره قدرت مؤثر نیروی نظامی عراق در دست است و این امر، علی‌الاصول، می‌بایست تردید سیاست‌گذاران را درباره تصور یک پیروزی ساده برمی‌انگیخت و مالا تبلیغ پیروزی سهل‌الوصول که شور و اشتیاق‌ها را (با ضریب زمانی آسیب‌پذیر) برمی‌انگیخت، با احتیاط دنبال می‌شد. بر اساس این دیدگاه، پس از فتح خرمشهر تبلیغ با آرمان درهم آمیخته شد. آنچه در سیاست‌گذاری نقش پویا دارد، «آرمان» است و نه «تصور آرمان» که خود آمیزه‌ای از تبلیغ و آرمان است. به هر حال، آنچه رخ نداده همچون دیکته نانوشته‌ای است که غلط ندارد و هنگامی که آن دیکته نانوشته در مقابل دیکته نوشته‌شده و غلط‌گیری‌شده‌ای قرار بگیرد، شورانگیزتر و دلرباتر نیز می‌نماید. این دعوا پایان‌نیافتنی است و فصل آن در گرو حل آن در بعدی نظری است. این مقاله که به دنبال پی‌ریزی بنیانی تئوریک برای مطالعه سیاست‌گذاری جنگی در یک مدل آرمان‌گراست، به پرسش اساسی دیگری برخورد می‌کند و آن اینکه چگونه می‌توان در چنین شرایطی، نقطه عطف مطلوبیت نهایی تعامل آرمان - واقعیت را تشخیص داد؟ این پرسش نظری به مبحث بسیار مهم و در عین حال مغفول شاخص‌ها در علوم سیاسی پیوند می‌خورد. آیا می‌توان به شاخص‌سازی برای پی‌بردن به این نقطه عطف پرداخت؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه و با چه معیارهایی؟ معیارهای کمی، کیفی یا هر دو؟ آیا دموکراسی و نهادهای نمایندگی آن می‌توانند شاخص باشند یا نهادهای قانونی و اقتداری؟ آیا شاخص‌های اقتصادی کفایت این امر را دارند یا شاخص‌های نظامی؟ آیا...؟ بدون تردید، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک حکومت آرمان‌گرا، دائما در گیرودار چنین مسئله‌ای خواهد بود؛ چراکه درصدد پیاده‌کردن احکام و آرمان‌های دینی و تطبیق آن با شرایط سخت این روزگار است. سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران و ازجمله سیاست‌گذاران امور نظامی، در چالش دائمی با این پرسش‌اند که چگونه و با چه ابزاری تعامل متعادل بین ظرف واقعیت‌های زمانه و هنگامه‌های پرآشوب با مظروف آرمان و ایدئولوژی برقرار کنند؟ و از آن مهم‌تر، چه سازوکاری برای تشخیص به‌موقع و بهنگام نقطه عطف مطلوبیت نهایی تهیه شود تا آزموده‌ها را دوباره نیازماییم و از سرعت گذر زمان باز کنیم؟

خبر

دستگیری عوامل به‌شهادت‌رساندن ۳ پاسدار در نیکشهر

● **مهر:** روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه خبر داد که با پیگیری و انجام اقدامات ویژه اطلاعاتی و عملیاتی رزمندگان قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه عوامل اصلی حادثه مورخ ۹۹/۷/۸ که منجر به شهادت سه نفر از پاسداران انقلاب اسلامی و مجروح‌شدن یک نفر دیگر شده بودند، دستگیر شدند. بنا بر این گزارش، دیگر عوامل مرتبط با این حادثه نیز دستگیر شدند.

احمد مازنی با اشاره به دوران دولت اصلاحات:

خاتمی گفت به جدم قسم بیش از این کاری از دولت برنمی‌آید

● **ایسنا:** احمد مازنی، نماینده سابق مجلس، در پاسخ به این پرسش که آیا اصلاح‌طلبان مسئول وضع فعلی کشور هستند یا عوامل دیگری هم در شکل‌گیری این اوضاع تأثیرگذار است، گفت: «فکر می‌کنم در شرایطی که مردم گرفتار مشکلات معیشتی، تحریم و کرونا هستند، اینکه جناح‌های سیاسی بخواهند مشکلات را به یکدیگر حواله دهند زیبنده نیست و صرفا به ضرر یک جناح نخواهد بود؛ چراکه مردم حاکمیت را یکپارچه می‌بینند، هرچند گاهی به یک جریان اقبال نشان می‌دهند و گاهی به جریان مقابلش یا گاهی نیز مانند سال گذشته چندان میلی به صندوق رأی نشان نمی‌دهند». وی افزود: «بیان چنین حرف‌هایی بیشتر نمک‌پاشیدن بر زخم مردم است تا مرهم‌گذاشتن بر آن. هر جریانی باید به سهم خود از مردم عذرخواهی کند؛ چراکه این وضعیت شایسته و زیبنده مردم نیست». این نماینده سابق مجلس با بیان اینکه تنها عذرخواهی برای مردم کافی نیست، تصریح کرد: «هم جناح اصلاح‌طلب و هم جناح اصولگرا باید به اندازه سهم خود در ایجاد وضعیت فعلی عذرخواهی کنند. دولت مستقر و دولت پیش از آن هم باید به سهم خود پوزش بطلبد اما در کنار عذرخواهی باید برنامه هم داشته باشند تا وضعیت را از حالت فعلی خارج کنند». مازنی ادامه داد: «یا باید در کنار عذرخواهی به گوش مردم برسد که بیش از این از دست دولت برنمی‌آمده یا باید ضمن پوزش‌طلبی برنامه‌ای برای برون‌رفت نیز ارائه شود». این نماینده سابق مجلس یادآور شد: «از ویژگی‌های کار آقای خاتمی در دولت اصلاحات این بود که با مردم با زبانی ساده سخن می‌گفت و مشکلات را بیان می‌کرد. یک بار را به خاطر دارم که در سخنرانی خطاب به مردم گفت به جدم قسم بیش از این از دولت کاری برنمی‌آید. وقتی مردم چنین صداقتی را می‌دیدند، راحت‌تر با مشکلات کنار می‌آمدند و آنها را تحمل می‌کردند». مازنی در پایان گفت: «اگر هر نهاد و جناحی به سهم خود پذیرای اشتباهات و قصور خود باشد و برای بهبود وضعیت راه‌حلی ارائه کند و به دنبال استفاده سیاسی از اوضاع فعلی نباشد، قطعا زودتر و بهتر می‌توان مشکلات مردم را رفع کرد».

محمود میرلوحی:

نظامی‌ها در ۱۴۰۰ رأی نمی‌آورند

● **ایلنا:** سیدمحمود میرلوحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درباره انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گفت: «از قرائن این‌طور مشخص است که جریان اصلاح‌طلب چند بخش فعال در صحنه داشته است که یکی از آنها رهبری اصلاحات، آقای خاتمی است که همچنان با همه محدودیت‌ها در صحنه هستند و براساس اخبار در حال بررسی و ارزیابی وضعیت کشور و مسائل مرتبط با جریان اصلاحات هستند؛ بخش دوم جبهه اصلاح‌طلبان است که این بخش اصلی و بخش حقوقی شورای عالی را تشکیل می‌داد، به تعبیر دیگر جبهه اصلاحات که پیشنهاد اولیه شورای عالی را هم مطرح کرد و کمیته راهبردی با احزاب ادغام شد و ترکیب اولیه شورای عالی را تشکیل داد؛ تا جایی که ما خبر داریم در حال بحث و گفت‌وگو هستند و از شخصیت‌های صاحب‌نظر اصلاحات دعوت می‌کنند». او با بیان اینکه نظامی‌ها برای انتخابات ریاست‌جمهوری رأی نمی‌آورند، گفت: «مجلس هفتم و مجلس یازدهم در غیبت جریانات دیگر و اکثریت نظامی‌ها و همبستگی با یکدیگر آمدند و توانستند مجلس را قبضه کنند اما در ریاست‌جمهوری به‌صورت قاعده درآمده است که نظامی‌ها در این انتخابات رأی نخواهند آورد».

عضو شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان اظهار کرد: «مردم به نظامیان رأی نمی‌دهند مگر اینکه ما اکثریت را از صندوق‌ها مأیوس و خانه‌نشین کنیم و اقلیت مطمئن را ترجیح دهیم؛ بنابراین قصد دارند چنین مسیری را همو